



جکسون پولاک

من طبیعت هستم

پپ کارمل برگردان علی قنبری

www.ketab.ir

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور: من طبیعت هستم: حرف‌ها و ایده‌های جکسون پولاک در باب هستی و زندگی، گردآوری پپ کارمل؛ ترجمه علی قنبری.

مشخصات نشر: تهران: رایبد، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۳۸۶-۶-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Jackson Pollock : interviews, articles, and reviews, c1999

موضوع: پولاک، جکسون، ۱۹۱۲ - ۱۹۵۶ م.

پولاک، جکسون، ۱۹۱۲ - ۱۹۵۶ م. -- مصاحبه‌ها

پولاک، جکسون، ۱۹۱۲ - ۱۹۵۶ م. -- نقد و تفسیر

پولاک، جکسون، ۱۹۱۲ - ۱۹۵۶ م. -- درک و شناخت ارزش‌ها

اکسپرسیونیسم انتزاعی - ایالات متحده

رده بندی کنگره: ND۲۳۷

رده بندی دیویی: ۷۵۹/۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۸۳۸۰۷

اطلاعات گورد کتابشناسی: فیپا

من طبیعت هستم

حرف‌ها و ایده‌های جکسون پولاک در باب هنر و زندگی

گردآوری: پپ کارمل

برگردان: علی قنبری

ویراستار: احسان طالبی

نمونه‌خوان: ملیکا قاسمی

صفحه‌آرا: آیه فیلی

طراح جلد: محمدرسول شکرانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: تابستان ارس

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۳۸۶-۶-۴

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیر جاوید، کوچه‌ی شهرزاد، پلاک ۴

تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۳۴۵۰۶۴

www.raybodpub.com

info@raybodpub.com

raybodpub

فهرست

مقدمه‌ی مترجم	۵
زندگی و آثار جکسون پولاک	۹
سال‌های ابتدایی زندگی (۱۹۱۲-۱۹۳۶)	۱۱
دوران حرفه‌ای (۱۹۳۶-۱۹۵۴)	۱۳
دوره‌ی قطره‌چکانی	۱۵
رابطه با لی کراسنر	۱۷
سال‌های بعد و مرگ (۱۹۵۶-۱۹۵۵)	۲۰
مهارت هنری، تأثیر و تکنیک	۲۲
از نام‌گذاری تا شماره‌گذاری	۲۷
مباحث انتقادی	۲۸
میراث، تأثیر	۳۰
در حوزه‌ی فرهنگ چاپ و رسانه	۳۱
بازار هنری	۳۳
اصالت آثار	۳۵
تحلیل کامپیوتری فراکتال	۳۷
آرشیو	۳۹
فهرست آثار عمده‌ی جکسون پولاک با عناوین اصلی	۴۰
نقل‌قول‌های جکسون پولاک	۴۳
گفت‌وگو با جکسون پولاک رابرت مادرول	۴۹
گفت‌وگو با جکسون پولاک ویلیام رایت	۵۳
گفت‌وگو با لی کراسنر درباره‌ی جکسون پولاک دوروتی سیکلر	۶۱
«جکسون پولاک که بود؟»، گفت‌وگو با لی کراسنر فرانسیس	۷۴
دوپلسی و کلیوگری	
نقل‌قول‌ها و نظرات درباره‌ی جکسون پولاک و آثارش	۸۶

مقدمه‌ی مترجم

جکسون پولاک یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های جنبش اکسپرسیونیسم انتزاعی در سراسر جهان به حساب می‌آید. او بیشتر به خاطر علاقه و استعدادش، به نقاشی قطره‌ای یا چکه‌ای^۱ معروف است؛ شکل انتزاعی عجیبی از هنر که در آن رنگ معمولاً روی بوم می‌چکد.

پولاک در آریزونا و کالیفرنیا بزرگ شد و در همان‌جا تحصیل کرد اما از چند دبیرستان اخراج شد. او در سال ۱۹۳۰ تصمیم گرفت به همراه برادرش به نیویورک نقل مکان کند. هر دوی آن‌ها در لیگ دانشجویی هنر ثبت‌نام کردند تا نزد نقاش توماس هارت بنتون در رشته‌ی هنر تحصیل کنند. روشی که بنتون از رنگ استفاده می‌کرد و اشتیاق او به هنر، پولاک و آثار آینده‌ی او را تحت‌تأثیر قرار داد، اما علاقه‌ی بنتون به موضوع روستایی-آمریکایی در پروژه‌هایش جکسون پولاک را درگیر نکرد.

آثار پولاک تحت‌تأثیر خوزه کلمنته اوروزکو^۲، دیگو ریورا، پابلو پیکاسو و بسیاری از هنرمندان در زمینه‌ی منطقه‌گرایی، سورئالیسم و هنر بومی آمریکا قرار گرفت. او در دوران کودکی‌اش فرصت‌های متفاوتی برای

1. drip painting

2. Jose clemente Orozco

ارتباط با فرهنگ بومیان آمریکا داشت، در حالی که با پدرش سر کار می‌رفت، خیلی زود به یکی از علاقه‌مندان این هنر، به‌ویژه نقاشی روی شن تبدیل شد.

او در سال ۱۹۳۶ توسط دیوید آلفارو سیکوئروس، هنرمند مکزیکی، با استفاده از رنگ مایع آشنا شد. در واقع، پولاک در کارگاهی که توسط سیکوئروس سازماندهی شده بود شرکت کرد و در آن‌جا با تکنیک چکیدن آشنا شد. پولاک رابطه‌ای بین این روش و نقاشی شنی «ناواهو» پیدا کرد که هر دو در واقع روی زمین اجرا می‌شدند. نقاشی شن و ماسه و تکنیک‌هایی که نقاشان نقاشی دیواری مکزیکی به کار گرفتند بر هنر پولاک و به‌طور کلی تکنیک قطره‌چکانی او تأثیر گذاشت. در سال‌های اول دهه‌ی ۴۰ این روش خاص بسیار محبوب شد.

پولاک نه فقط تکنیک قطره‌چکانی را کشف و عمیق‌تر کرد، بلکه آن را به تفصیل بیان کرد و از آن فراتر رفت.

او تأثیرگذارترین هنرمند جنبش «نقاشی کنشی»^۱ است. او عادت داشت رنگ مایع را روی پانل‌هایی که به صورت افقی روی زمین قرار داشتند بچکاند و خطوط و لکه‌های رنگی درهم‌تنیده ایجاد کند.

پولاک استفاده از سه پایه را در کارش کنار گذاشت و کف استودیویش را محمل هنرنمایی‌اش کرد. او خود را از استفاده از سازه‌های مختلف رها کرد و امکان خلاقیت‌های هنری جدید را فراهم کرد. استفاده از این تکنیک به پولاک اجازه داد دور کارش بچرخد و از هر زاویه و موقعیتی به آن نگاه کند. این به‌عنوان روش «نقاشی اکشن» یا «انتزاع ژست» شناخته می‌شد. او با استفاده از تمام بدنش و با استفاده از قدرت و حرکات رقص گونه‌اش نقاشی‌اش را رقم می‌زد و رنگ به‌صورت فی‌البداهه روی بوم ریخته می‌شد.

پولاک معتقد بود که پروسه‌ی تولید و روند خلق آثارش به اندازه‌ی خود محصول نهایی اهمیت دارد. در واقع او با این کار تلقی از نحوه‌ی آفرینش هنری را تغییر داد.

به واسطه‌ی تکنیک و ایده‌های پولاک، اکسپرسیونیسم انتزاعی توسعه یافت و به هنرمندان دیگر اجازه داد تا راه‌های جدیدی برای خلق هنر و اجرا بیابند.

پولاک با استفاده از این رویکرد جدید شروع به نقاشی روی بوم‌های خود کرد و آن‌ها را روی زمین گذاشت و رنگ را روی آن می‌چکاند. آنچه او توسعه داد و روشی که در آن تسلط یافت، نقطه‌عطفی در جنبش «نقاشی کنشی» تلقی می‌شود و او را به گذار از اکسپرسیونیسم به اکسپرسیونیسم انتزاعی تشویق کرد.

در تکنیک پولاک، رنگ بی‌الفاظانه روی بوم می‌چکد. او مشخصاً در استفاده از رنگ برای خلق هنرش دقت به خرج نمی‌داد، بلکه به‌طور کامل آن را زندگی می‌کرد. او کارش را با تمام بدنش خلق می‌کرد و در حین رقصیدن، در این فرآیند گم می‌شد و اجازه می‌داد نقاشی تقریباً خودش را خلق کند.

اگرچه اکسپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم انتزاعی شباهت‌های متعددی دارند و می‌توان هر دو را در تضاد با جنبش امپرسیونیستی و بازنمایی دنیای بیرونی دانست، اما تفاوت‌های اندکی بین این دو جنبش هنری وجود دارد. اکسپرسیونیسم تهاجم جزئیات واقع‌بینانه را رد نمی‌کند. برعکس، از این نوع مؤلفه‌ها استفاده می‌کند؛ مؤلفه‌های بیرونی که در ترکیب با عناصر انتزاعی امکان ایجاد احساسات و واکنش‌ها را دارند. به همین دلیل، در آثار اکسپرسیونیستی امکان یافتن عناصری از دنیای بیرون وجود دارد. اما وقتی نقاشی کاملاً انتزاعی می‌شود - مثلاً

با لکه‌هایی از رنگ‌ها و خطوط در سراسر بوم- بدون چیزی که بتوان آن را «واقعی» در نظر گرفت و در دنیای بیرون وجود داشته باشد به اکسپرسیونیسم انتزاعی محض تبدیل می‌شود.

هنر پولاک در سال‌های بعد بر بسیاری از هنرمندان تأثیر گذاشت و هنوز هم یکی از تأثیرگذارترین هنرهای امروزی محسوب می‌شود. تلفیقی که در آفرینش‌های او بین رنگ‌ها، حرکات، خطوط، نقطه‌ها و لکه‌ها یافت می‌شد مسیر را برای اکسپرسیونیسم انتزاعی و نقاشی اکشن شکل داد.

او بدین ترتیب از هنر فیگوراتیو فاصله گرفت و رویکرد جدیدش هنری پویاتر و همیشه در حرکت بود.

پولاک در روند جریان هنری خود، به جای گذاشتن نام و عنوان روی آثارش، آن‌ها را با امضاهش مشخص می‌کرد. هدف او از این کار این بود که بینندگان را با پیش‌دامی‌ها تحت تأثیر قرار ندهد، چراکه اعداد خنثی هستند و مردم می‌توانستند به سادگی ببینند که هنر چگونه است؛ خالص و واضح، بدون هیچ‌گونه دخالت یا اشاره‌ای از جانب هنرمند. بسیاری جکسون پولاک را بزرگ‌ترین هنرمند زمانه‌ی خود معرفی کرده و عده‌ای نیز حتی به او شارلاتان گفته‌اند. اما همه متفق‌القول‌اند که پولاک یکی از پرسر و صداترین هنرمندان قرن بیستم بود. عمر کوتاه پولاک و مرگ او به‌خاطر حادثه‌ی رانندگی مانع از این شد که او تجربه‌گرایی‌های بیشتری داشته باشد.